

مسلسل: ۱۸۲۳۷
خرداد ۱۴۰۱

عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۲۳۷

کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش

تهیه و تدوین: ریحانه رحمانی پور

همکاران: پدram کاویان، شیما علی‌آبادی، اکرم باجلان

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ازدواج

۲. افزایش سن ازدواج



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۳/۱۱

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	روش اول: بررسی یافته‌های پژوهش‌های مرتبط
۵.....	۱. نگرش مردم نسبت به دلایل تأخیر در ازدواج
۶.....	۲. عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج
۱۳.....	روش دوم: استفاده از جلسات هم‌اندیشی و خبرگانی
۱۵.....	جمع‌بندی
۱۷.....	منابع و مآخذ



عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان

چکیده

براساس داده‌ها و نتایج سازمان ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران، روند تحولات شاخص‌های ازدواج به‌گونه‌ای است که نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبه‌رو بوده است. بررسی ابعاد مسئله ازدواج و الگوهای همسرگزینی نشان از کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در این الگوهاست و افزایش سن ازدواج الگوهای آن را دچار تحول کرده و شاخص‌های دیگر از جمله فرزندآوری، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس در گزارش پیش‌رو، تبیین چرایی افزایش سن ازدواج و احصای متغیرهای تأثیرگذار بر آن مورد نظر قرار گرفته است. در این راستا پیمایش‌ها و پژوهش‌های ملی انجام شده مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه جلسات هم‌اندیشی با صاحب‌نظران این حوزه برگزار شده است. نتایج به‌دست آمده از دو روش استفاده شده نشان می‌دهد، بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی، هزینه بالای مسکن، بیکاری و عدم اشتغال جوانان و پیدا نکردن گزینه مناسب ازدواج در سه اولویت اول عدم ازدواج بهنگام جوانان قرار دارند. عوامل ذکر شده به‌ترتیب در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و اجتماعی - فرهنگی قرار دارند. به‌عبارتی می‌توان گفت عدم تغییر روند موجود و عدم توانمندسازی اقتصادی افراد در تأمین معاش یک خانواده نه‌تنها استحکام خانواده‌های موجود را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بلکه شکل‌گیری خانواده‌های جدید را با مشکل روبه‌رو می‌کند. غالب عواملی که در اولویت بالای اثرگذاری هستند یکی از کارکردهای مهم خانواده که کارکرد اقتصادی است را با اختلال مواجه می‌کنند. از این‌رو افراد در سطح اول رفع نیازهای خود با مشکل روبه‌رو شده و به سطوح دیگر که تشکیل خانواده و تأمین نیازهای عاطفی را شامل می‌شود، وارد نمی‌شوند.

البته عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج به‌صورت شبکه‌ای به یکدیگر متصل بوده و چرخه عوامل را تشکیل می‌دهند. از این‌رو حل مسئله مورد نظر از طریق قطع چرخه و روابط دوسویه اثرگذاری و اثرپذیری امکان‌پذیر است و راهبرد حل مسئله ازدواج با در نظر گرفتن عوامل اولویت‌دار در افزایش سن ازدواج و روابط بین آنها باید تدوین شود.

یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار در کاهش سن ازدواج، حکمرانی نظام آموزشی و تقویت مشاغلی است که وابستگی به تحصیلات عالی ندارند. از سوی دیگر باید در طراحی فرایندها و زیرساخت‌های شغلی به ایجاد بسترهای گسترش کارآفرینی و تولیدی‌های خرد توجه ویژه شود. نکته دیگر در مورد اشتغال اهمیت به ظرفیت‌های استان‌ها و شهرهای مختلف در تولید اشتغال است چراکه براساس آمار شهرهایی که اشتغال‌زایی بالاتری داشته‌اند، سن ازدواج پایین‌تری نیز داشته‌اند. این مقوله خود به کاهش مهاجرت نیز کمک خواهد کرد.

موضوع دیگر در راستای تقویت قدرت انتخاب‌گری صحیح در امر ازدواج است که به ایجاد و تقویت نهادها و ظرفیت‌های مردمی و مهارت‌افزایی افراد و خانواده‌ها در این امر نیاز است.

مقدمه

ازدواج براساس تمایلات، نگرش‌ها و رویکرد انسان نسبت به زندگی شکل می‌گیرد. اما نکته بسیار مهم این است که فرایند شکل‌گیری این سه سطح از ابعاد ذهنی انسان تحت تأثیر روابط پیچیده اجتماعی فرد با محیط پیرامونش و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی قرار دارد. به عبارت دیگر ازدواج علاوه بر تأمین نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ازدواج به دلیل اهمیت بالا در بیشتر کشورهای دنیا به عنوان هنجار پذیرفته شده است و از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بی‌توجهی به ازدواج امری ناپسند شمرده می‌شود؛ زیرا بقای خانواده وابسته به استمرار ازدواج است.^۱ بر این اساس ازدواج موضوع ذوابعدادی است که تبیین هرگونه تغییر و تحول در شاخص‌های آن به بررسی نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد.

در میان شاخص‌های متعددی که در راستای تبیین وضعیت ازدواج در کشور تعریف شده است (نرخ ازدواج، میانگین سن ازدواج، میزان عمومی ازدواج، نرخ تجرد، نسبت ازدواج به طلاق، نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها، میزان بازتعریف ازدواج و ... است) در روابط رفت و برگشتی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و در نهایت بر الگوی همسرگزینی تأثیر می‌گذارد، میانگین سن ازدواج افراد است. به گونه‌ای که عوامل مذکور افراد را از ازدواج رسمی در سن مورد انتظار باز می‌دارد و تثبیت آن به مرور زمان نگرش جامعه را نسبت به ازدواج تغییر می‌دهد. تأخیر در ازدواج نه تنها شرایط رشد ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می‌کند بلکه با تغییر الگوی زادوولد، ساختار جمعیتی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود.^۲ از این رو طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در این حوزه به بررسی شبکه عوامل تأثیرگذار بر تغییر میانگین سن ازدواج جوانان نیازمند است.

نکته دیگر اینکه مسائل پیرامون موضوع ازدواج صرفاً مسئله کشور ما نیست بلکه دیگر کشورهای جهان نیز با آن روبه‌رو بوده و جامعه‌شناسان سعی در تحلیل و تبیین این موضوع داشته‌اند. لذا می‌توان از تبیین تحولات آن کشورها در جامعه ایران با لحاظ تفاوت‌های فرهنگی بهره برد. برخی از اندیشمندان^۳ در مورد به تأخیر افتادن ازدواج، از مفهوم «نااطمینانی» استفاده می‌کنند و بر تأثیرپذیری عامل نااطمینانی از صفاتی که در موقع ازدواج مورد توجه افراد است، بر سن ازدواج تأکید می‌کنند. از نظر آنها این نااطمینانی موجب به تعویق انداختن ازدواج می‌شود؛ بنابراین شناخت عوامل نااطمینانی از ملاک‌های مورد توجه در مقوله ازدواج در اولویت قرار می‌گیرد (هزارجریبی، ۱۳۸۸). نااطمینانی به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از تحقق ملاک‌هایی که برای شروع و ادامه زندگی در نظر دارد مطمئن نیست. عدم اطمینان را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. در حالت اول تمایل جامعه به کمال‌گرایی و تحقق شرایط مطلوب در زمان ازدواج قابل طرح است. به گونه‌ای که سطح توقعات فرد بالا بوده و ملاک‌های شروع زندگی از قبیل شرایط زیستی خود و ملاک‌های انتخاب همسر را حداکثری می‌بیند و از این جهت نااطمینانی از تحقق این ملاک‌ها افزایش پیدا می‌کند. در حالت دوم شرایط نابسامان اجتماعی - اقتصادی به عدم اطمینان از تحقق ملاک‌های شروع زندگی

۱. آزادارمکی، «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، ۱۳۸۶.

۲. شهانواز، آزاده، «شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر تجرد در ایران» ۱۳۹۸.

۳. اینپایمر، ۱۹۸۸.



منجر می‌شود. به‌عنوان نمونه عدم اطمینان از تأمین هزینه‌های زندگی و عدم اطمینان از تشکیل زندگی مستحکم به تشکیک در اصل ازدواج و درنهایت افزایش سن ازدواج منجر می‌شود. «به‌گونه‌ای که افراد زمانی که در شرایط نامنی اقتصادی و عدم قطعیت بالا قرار دارند از ریسک‌های غیرضروری در زندگی اجتناب می‌کنند و در شرایطی که بازار به‌شدت رقابتی است و موقعیت‌های شغلی ثبات کافی را ندارند، ریسک ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌یابد»^۱. برخی دیگر از جامعه‌شناسان^۲ درخصوص سن ازدواج، تئوری مدرنیزاسیون را ارائه می‌دهند. طبق این نظریه، نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد که به فاکتورهای مهم آن نظیر گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی می‌توان اشاره داشت. «همچنین افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به‌دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی ازدواج‌شان با تأخیر صورت می‌گیرد» (محمودیان، ۱۳۸۳).

تبیین دیگری^۳، سه متغیر «دسترسی»، «امکان» و «تمایل» را به‌عنوان تعدیل‌کننده اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج بیان می‌کند. به‌گونه‌ای که «دسترسی» با توازن نسبت سنی - جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم شده یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود و جایی که عدم توازن در این نسبت وجود داشته باشد، ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتد. متغیر «امکان» مربوط به شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد است و در مناطق شهری که تکیه بیشتری بر توانایی فردی برای اداره امور زندگی می‌شود، ازدواج با تأخیر بیشتری صورت می‌گیرد. متغیر «تمایل» در رابطه با فشار اجتماعی و از طریق تشویق و مجازات اجتماعی در فرد پرنسب می‌شود. به‌گونه‌ای که شاخص‌هایی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی در تقویت این تمایل و مواردی از قبیل انزوای اجتماعی، ننگ بی‌فرزندی یا مجرد قطعی در یک سن مشخص نیز به‌عنوان مجازات اجتماعی بر این شاخص تأثیر دارند و چنانچه پاداش مجرد در یک سن معین، بیشتر از مجازات اجتماعی آن باشد، ازدواج با تأخیر صورت خواهد گرفت (هزارجریبی، ۱۳۸۸).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تحلیل‌های ارائه شده در سطح تبیین تحولات اجتماعی است. به‌عبارتی جامعه‌شناسان به‌رغم ادعان به تأثیر عواملی از قبیل اشتغال، شهرنشینی و پیامدهای آن و ... آنها را لایه بیرونی عوامل می‌دانند که خود به تحولات نگرشی در جامعه منجر شده و این تحولات نگرشی هستند که تحولات گسترده در الگوی ازدواج و بالاخص افزایش سن ازدواج را ایجاد می‌کنند.

حال باید عوامل مؤثر بر افزایش میانگین سن ازدواج را در ایران در سطوح مختلف مورد بررسی قرار داد و درنهایت به تبیین سطح تحولات اجتماعی آن پرداخت تا در هر نوع مداخله قانونی سطوح مداخله با سطوح تحول و عوامل تأثیرگذار بر پدیده منطبق باشد.

۱. حسینی، حاتم و همکاران، «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران»، ۱۳۹۸.
۲. ویلیام گود، ۱۹۲۶.
۳. دیکسون، ۱۹۷۱.

ازسوی دیگر اهمیت موضوع ازدواج و تشکیل خانواده به دفعات در اسناد گوناگون، از جمله اصل «۱۰» قانون اساسی^۱، «سیاست‌های کلی خانواده»^۲ و «سیاست‌های کلی جمعیت»^۳ ابلاغی مقام معظم رهبری به‌عنوان سه سند اصلی و محوری آمده است که باید اساس و ملاک عمل مورد نظر قرار گرفته و برای رسیدن به این اهداف حل مسائل و گره‌گشایی در اولویت قرار گیرد.

علاوه بر تأکید اسناد مذکور بر اهمیت موضوع ازدواج، بررسی کارشناسی تحولات رخ داده در میانگین سن ازدواج، نرخ ازدواج، الگوهای همسرگزینی و شاخص‌های مبین این موضوع نشان از وجود مسئله اجتماعی دارد؛ چراکه با گذشت زمان نرخ ازدواج با کاهش چشمگیری روبه‌رو بوده، میانگین سن ازدواج با افزایش همراه بوده و سن ازدواج با الگوهای متفاوت همسرگزینی رابطه معناداری دارد. از این‌رو با استناد به تأکید اسناد سیاستی و مسئله‌شناسی اجتماعی در این حوزه ضرورت به‌کارگیری نیروی مداخله‌گر در راستای حل مسئله پررنگ‌تر می‌شود. گام اول در طراحی هر نوع فرایند مداخله‌ای قانونگذارانه در موضوع ازدواج، شناسایی دقیق جامعه از حیث چیستی و چگونگی مسئله است. به عبارتی در این مرحله باید ابعاد مسئله و عوامل تشدیدکننده آن مشخص شود.

در گزارش پیش رو تلاش شده است، عوامل تأثیرگذار بر میانگین سن ازدواج جوانان در سطوح مختلف و با استفاده از دو روش مطالعه اسنادی و هم‌اندیشی جمع خبرگان احصا شده است. در روش اول با بررسی پیمایش‌ها و پژوهش‌هایی که با این موضوع انجام شده عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج جوانان مورد بررسی قرار گرفته و در روش دوم با استفاده از ظرفیت نخبگانی و برگزاری جلسات هم‌اندیشی از میان گروه‌های مختلف عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج جوانان احصا شده است. در بخش‌هایی گزارش تلاش شده، از طریق انطباق یافته‌های هر دو روش بررسی، عوامل کلیدی و نقاط بحران‌ساز در مسئله مورد بررسی، شناسایی و بیان شود.

روش اول: بررسی یافته‌های پژوهش‌های مرتبط

تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها، نگرش مردم و جامعه را در مورد عوامل افزایش سن ازدواج بررسی می‌کند و برخی دیگر به احصای متغیرهای تأثیرگذار بر سن ازدواج پرداخته‌اند. در ادامه تلاش شده نتایج این پژوهش‌ها با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل افزایش سن ازدواج بررسی شوند:

۱. «آرانجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

۲. بند «۴» و «۶»: «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی» و «ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با: ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده».

۳. بند «۲»: «رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد».



۱. نگرش مردم نسبت به دلایل تأخیر در ازدواج

در بررسی که در سال ۱۳۹۴ انجام شد^۱ دلایل به تأخیر افتادن ازدواج جوانان مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد جوانان ۳۴-۱۸ ساله ۱۵ مورد (نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل، بالا بودن هزینه زندگی، بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج، بالا بودن توقعات خانواده‌ها و مخالفت آنها، ترس از ازدواج ناموفق، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، مردد بودن در تصمیم‌گیری، بالا بودن سطح انتظار طرف مقابل، داشتن برادر یا خواهر بزرگ‌تر مجرد، نداشتن انگیزه عاطفی لازم، ترس از مسئولیت‌های زندگی، محدودیت‌های زندگی متأهلی، مشغول تحصیل بودن و سن کم) را به‌عنوان اولویت انتخاب کرده‌اند که از میان آنها نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل و بالا بودن هزینه زندگی مشترک سه رتبه اول را به خود اختصاص داده است. البته میان مردان و زنان در بیان موانع ازدواج تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌گونه‌ای که ۴۰ درصد پاسخگویان مرد، نداشتن شغل و حدود ۳۴ درصد از دختران نیافتن همسر دلخواه را انتخاب کرده‌اند. همچنین تحصیلات نیز بر انتخاب موانع ازدواج تأثیر داشته است. به‌گونه‌ای که افراد با تحصیلات لیسانس و بالاتر، پیدا کردن همسر دلخواه و افراد با مدرک فوق‌دیپلم و پایین‌تر نداشتن شغل را از موانع انتخاب بیان کرده‌اند.

در پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) پاسخگویان، «عدم برخورداری از درآمد کافی»، «عدم برخورداری از شغل مناسب»، «بالا بودن هزینه ازدواج»، «عدم برخورداری از مسکن مستقل» و «بالا بودن سطح توقعات جوانان» را به پنج عامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج در جامعه بیان کرده‌اند. به عبارتی از نگاه مردم موانع اصلی ازدواج به‌نگام جوانان، مشکلات اقتصادی است. در بررسی گویه‌های پرسیده شده در این بخش تقریباً در همه موارد زنان و مردان پاسخ‌های نزدیک به یکدیگر داشته‌اند. اما در دو گویه «پیدا نکردن همسر مناسب با توجه به معیارهای دلخواه» و «فرار از مسئولیت» زنان حدود ۸ درصد بیشتر از مردان این دو گویه را تأثیرگذار در بالا رفتن سن ازدواج زنان بیان کرده‌اند. پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) در پرسش دیگری، دلایل تأخیر ازدواج پاسخگویان را از خودشان جویا شده است. در این حالت «پایین بودن سن»، «بیکاری» و «نداشتن شغل دائم» در اولویت اول انتخاب شده‌اند، در اولویت دوم «نداشتن شغل دائم»، «پیدا نکردن فرد مناسب» و «بیکاری» و در اولویت سوم «پیدا نکردن فرد مناسب»، «مشکل تهیه مسکن» و «عدم احساس نیاز به ازدواج» انتخاب شده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت در اولویت اول و دوم عوامل تأخیر ازدواج افراد، نداشتن شغل دائم و بیکاری مشترک بوده‌اند. نکته دیگر اینکه وقتی دلایل را به تفکیک جنسیت بررسی می‌کنیم، زنان «پایین بودن سن» و «پیدا نکردن فرد مناسب» را در اولویت اول خود قرار داده‌اند و مردان «پایین بودن سن»، «بیکاری» و «نداشتن شغل دائم» را عامل تأخیر در ازدواج خود دانسته‌اند. البته با توجه به اینکه گویه «پایین بودن سن» دارای ابهام است، چراکه در سؤال مطرح شده «به چه دلیل زودتر (در سؤال از متأهلان) یا هنوز (در سؤال از مجردها) ازدواج نکردید/نکرده‌اید؟» مشخص نیست که افراد متأهل پاسخ‌دهنده در چه سنی ازدواج کرده‌اند و تلقی افراد از سن مطلوب و یا پایین بودن سن چیست؟ از این‌رو نمی‌توان این گویه را مورد استناد قرار داد. لذا بررسی داده‌های پیمایش ملی خانواده نشان می‌دهد، «عدم درآمد کافی»، «نداشتن شغل» از نگاه مردم، عوامل اصلی در افزایش سن ازدواج جوانان است و «پیدا نکردن فرد مناسب»، «بالا بودن هزینه‌های ازدواج» و «نداشتن مسکن» از گزینه‌های بعدی شبکه عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان است.

۱. آفاسپی، فلاح مین باشی، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، ۱۳۹۴.

براساس دو پیمایش فوق سه عامل اول تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج از نظر مردم، «بالا بودن هزینه‌های شروع زندگی مشترک»، «عدم برخورداری از شغل و درآمد مناسب» و «نیافتن همسر دلخواه» است که باید در فرایند حل مسئله به آن توجه داشت. البته باید به این نکته نیز دقت کرد که با توجه به فرهنگ جامعه و در معرض انتخاب بودن دختران، گزینه «نیافتن همسر دلخواه» برای دختران پررنگ‌تر بوده است.

۲. عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج

براساس مثلث مازلو نیازهای انسان در پنج سطح زیستی و فیزیولوژیک، امنیتی، اجتماعی، نیاز به احترام و درنهایت نیاز به خودشکوفایی دسته‌بندی می‌شوند. ازسوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد تقریباً کارکردهای خانواده بر نظام نیازهای انسان منطبق است و به عبارتی پایه‌ای‌ترین نهادی که وظیفه رفع نیازهای افراد را دارد خانواده است. بر این اساس خانواده زمانی شکل می‌گیرد که امکان رفع ابتدایی‌ترین نیازهای فرد که نیازهای زیستی و اقتصادی است ازطرف آن وجود داشته باشد و ناتوانایی در رفع این نیازها عامل عدم تشکیل یا تأخیر در تشکیل خانواده خواهد بود. بر این اساس احصای عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج نشان می‌دهد کدام کارکرد خانواده تحت تأثیر عوامل بیرونی خواهد بود.

عوامل اثرگذار بر سن ازدواج جوانان می‌تواند با دو نوع دسته‌بندی صورت گیرد. در نوع اول جنس عوامل از قبیل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل رصد هستند و در نوع دوم شدت و میزان اثرگذاری عوامل بر موضوع ازدواج، قابلیت تفکیک فراهم می‌کند. در پژوهش‌های انجام گرفته در این مسئله سعی شده است هر دو نوع دسته‌بندی انجام گیرد اما تمرکز عمده پژوهش‌ها بر تأیید یا عدم تأیید رابطه متغیرهای مورد بررسی بوده و یا شدت و ضعف متغیر را با اولویت‌بندی آنها انجام داده‌اند. لذا در گزارش پیش‌رو دسته‌بندی متغیرها براساس جنس آنها صورت گرفته است:

۲-۱. تأثیر عوامل اقتصادی بر سن ازدواج

در پژوهشی^۱ که ۲۸ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۳ مورد بررسی قرار داده است، متغیرهای تورم و بیکاری به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج شناسایی شده‌اند. به‌گونه‌ای که با افزایش این متغیرها سن ازدواج مردان و زنان افزایش می‌یابد. در مدلی نیز که به‌جای تورم از رشد مخارج خانوار استفاده شد، این متغیر رفتاری شبیه تورم، ولی کمی ضعیف‌تر، در اثرگذاری در سن ازدواج نشان داد. بر مبنای این نتایج می‌توان گفت برای حل مسئله اجتماعی به نام بالا رفتن سن ازدواج باید به بهبودی اوضاع اقتصادی، به شکل کاهش تورم و بیکاری، همت گماشت. این نتایج در بسیاری از کشورهای دنیا مشترک بوده و در مطالعاتی که درباره تأثیرپذیری ازدواج از عوامل اقتصادی در کشورهای گوناگون انجام شده است، عمدتاً عواملی مانند بیکاری، شغل پاره‌وقت و غیردائم، شغل‌های با درآمد کم، افزایش قیمت‌ها، ناتوانی در برگزاری مراسم ازدواج، هزینه تهیه جهیزیه، هزینه مسکن و دیگر هزینه‌های زندگی و ... از عوامل اثرگذار به‌شمار رفته‌اند. اغلب این عوامل به‌مثابه موانعی بر سر راه ازدواج عمل می‌کنند.

۱. التجانی، عزیززاده، «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران»، ۱۳۹۵.



بنابراین تورم و بالا بودن هزینه‌های خانوار، فارغ از فرهنگ هر جامعه و مناسبات اجتماعی آن جامعه در فرایند ازدواج اثرگذار بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوی ازدواج جوانان دارد.

پژوهش دیگری^۱ با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر، با روش پیمایشی از نوع توصیفی و تبیینی انجام گرفته است که مطابق آن ۸۶/۳ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق‌اند که با وضعیت تورمی کنونی و افزایش قیمت‌ها نمی‌توان به راحتی ازدواج کرد. ۸۰/۸ درصد پاسخگویان نیز با این گویه موافق‌اند که بیکاری مهم‌ترین عامل افزایش سن ازدواج است. ۳۴/۴ درصد از پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف‌اند که جشن عروسی باید با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار شود. نتایج بررسی متغیر اوضاع اقتصادی نشان می‌دهد که یکی از اساسی‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج در میان دختران ناسازگاری نیازها با محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است، به طوری که افزایش مشکلات اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات، تأثیرات منفی در ازدواج داشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی بر سر راه ازدواج جوانان ایجاد کرده است.

از این رو براساس نتایج این پژوهش تورم، رکود اقتصادی و بیکاری سه اولویت اول موانع ازدواج هستند و افزایش سطح انتظارات و مصرف‌گرایی نیز در رده‌های بعدی بر افزایش سن ازدواج اثرگذار بوده‌اند.

لازم به توضیح است پژوهش فوق در سال ۱۳۹۰ انجام گرفته و نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در این سال ۲۱/۵ درصد اعلام شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۹ نرخ تورم سالیانه اعلامی از سوی بانک مرکزی ۳۶/۴ درصد اعلام شده است. به عبارتی تورم که عامل تأثیرگذار در ازدواج به‌نگام شناخته شده است در دهه ۹۰ با رشد همراه بوده است و با توجه به نتایج این بررسی روند افزایشی میانگین سن ازدواج در این دهه قابل توجیه است. مضاف بر اینکه در بازه زمانی مذکور نرخ ازدواج نیز با کاهش چشمگیری روبه‌رو بوده است. مجموعه داده‌های فوق رابطه تورم و سن ازدواج را نشان می‌دهد.

بررسی دیگری که تلاش کرده متغیرهای تأثیرگذار بر ازدواج را بررسی کند، علاوه بر خطر ازهم‌گسیختگی ازدواج، وضعیت اشتغال را یکی از عوامل مؤثر در مخاطره‌پذیری جامعه به حساب آورده است. براساس این پژوهش، میزان بیکاری در کشور از ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و طی همین مدت میزان مشارکت اقتصادی از ۴۰/۴ درصد به ۳۶/۹ درصد کاهش یافته، همچنین میزان بیکاری در جمعیت ۱۵-۲۹ ساله (که در معرض ازدواج قرار دارند) در سال‌های اخیر همواره روند افزایشی داشته است؛ به طوری که این میزان در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۲۵/۴، ۲۰/۴، ۲۲/۱ و ۲۴ درصد بوده و استان‌هایی که میانگین بالای سن ازدواج برای زنان و مردان دارند، میزان بیکاری نسبتاً بالاتری نیز دارند»^۲.

البته براساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۹ مرکز آمار ایران، روند تحولات نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی و سهم اشتغال ناقص در سنوات مختلف به شرح زیر است:

۱. بحرانی و حضرتی، «عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر شاغل به تحصیل»، ۱۳۹۰.
۲. ترابی، مسگرزاده، «جامعه مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران»، ۱۳۹۵.

جدول ۱. روند تحولات نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی

سال	نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری (۲۹-۱۵ ساله)	سهم اشتغال ناقص
۱۳۸۰	۳۷/۲	۲۷/۴	-
۱۳۸۵	۴۰/۴	۲۰/۸	۷
۱۳۹۰	۳۶/۹	۲۴	۹
۱۳۹۵	۳۹/۴	۲۵/۹	۱۰/۳
۱۳۹۶	۴۰/۳	۲۵/۳	۱۰/۴
۱۳۹۷	۴۰/۵	۲۵/۱	۱۰/۸
۱۳۹۸	۴۴/۱	۱۷/۹	۹/۹
۱۳۹۹	۴۱/۳	۲۱/۸	۹/۵

براساس جدول فوق نرخ بیکاری جمعیت ۱۵-۲۹ ساله که به نوعی جمعیت در معرض ازدواج هستند، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با افزایش روبه‌رو بوده است اما در دیگر سال‌ها روند آن کاهش یافته و در سال ۱۳۹۸ با کاهش چشمگیر حدود ۷ درصدی مواجه بوده است. البته در سال ۱۳۹۹ مجدد روند افزایشی گرفته و ۴ درصد افزایش نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. درباره انطباق روند متغیر (افزایشی - کاهش) نرخ بیکاری با روند نرخ ازدواج و میانگین سن ازدواج در سال‌های مذکور توضیح روشنی ارائه نشده است.

در بررسی دیگری^۱ رابطه اشتغال و سن ازدواج احصا شده است به‌گونه‌ای که شهرستان‌های دارای میزان اشتغال بالاتر، به‌طور کلی سن ازدواج پایین‌تری دارند. در مقابل، متغیر میزان بیکاری رابطه‌ای مثبت با میانگین سن در نخستین ازدواج هر دو جنس دارد. البته همانند متغیر میزان اشتغال، میزان بیکاری نیز در جامعه ایران بیشتر در ارتباط با مردان اهمیت دارد.

بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج در مناطق روستایی نیز نشان از اثرگذاری بالای متغیر اشتغال بر این موضوع دارد و جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده تأمین معاش خانواده طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود برخوردارند و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً بیست تا بیست‌وپنج سالگی درآمد کافی داشته باشند، لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند و به‌عنوان مانع اساسی فراروی ازدواج جوانان قرار می‌گیرد. در جامعه کنونی ما نیز نظام مشاغل جدید در برابر مشاغل سنتی آن‌طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سال‌های طولانی وقت در نهادهای مربوطه را می‌طلبد که این امر به‌خودی خود باعث بالا رفتن سن ازدواج افراد می‌شود.^۲

البته باید به این نکته توجه داشت که اشتغال یک متغیر اقتصادی - اجتماعی است و تغییرات نوسازی در جامعه منجر به پررنگ شدن سویه‌های اجتماعی این متغیر شده است. به‌گونه‌ای که اشتغال صرفاً از جهت درآمدزایی اهمیت ندارد بلکه نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی فرد نیز است. پارسونز^۳ در مورد فرایند هسته‌ای شدن خانواده به اهمیت شغل پرداخته و براساس متغیرهای الگویی خویش اهمیت آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید

۱. بحرانی، «تحلیل آماره‌های ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی در ۵ دهه گذشته»، ۱۳۹۲.

۲. مجدالدین، جمالی، «بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران»، ۱۳۸۶.

۳. بودون، ۱۳۷۳.



می‌داند. به نظر وی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش است. در مسیر تطوّر جوامع صنعتی زمانی فرا می‌رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نیست.

بنابراین با توجه به نتایج پنج پژوهش ملی بررسی شده می‌توان گفت، بیکاری و نداشتن شغل دائم اولین و مهم‌ترین عامل در افزایش سن ازدواج جوانان است. عوامل دیگر از جمله تورم، گرانی و بالا بودن هزینه آغاز زندگی و نیافتن همسر مناسب در رده‌های بعدی قرار دارند.

۲-۲. تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی بر سن ازدواج

با وجود تأکیدات پژوهش‌های مختلف بر عامل اقتصادی به‌عنوان عامل تأثیرگذار در افزایش سن ازدواج جوانان، در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ با عنوان «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده» انجام شده است، در پرسشی حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که قصد ازدواج ندارند و حدود نیمی از این ۳۰ درصد اعلام کرده‌اند که حتی اگر موانع اقتصادی نیز رفع شود باز هم ازدواج نخواهند کرد. به عبارتی می‌توان گفت موانع دیگری بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد که از جنس اقتصادی نیستند و این عوامل صرفاً بر سن ازدواج اثر نمی‌گذارد بلکه نگرش افراد را نسبت به کلیت ازدواج تحت‌الشعاع قرار داده و مروج سبک دیگری از زندگی است.

احصای موانع فرهنگی با توجه به کیفی بودن آنها بسیار دشوار است و غالب پژوهش‌های انجام شده به‌صورت تأویلی به این موضوع پرداخته‌اند. اما به استناد نگرش‌سنجی انجام شده در این بررسی و اولویت‌های ذهنی افراد در ویژگی‌های همسر خوب می‌توان به تغییر ذائقه فرهنگی افراد و جامعه در موضوع ازدواج اشاره داشت.

در میان تغییرات فرهنگی، افزایش سطح توقعات مادی فرد و خانواده، ایدئال‌خواهی افراطی در انتخاب همسر، گرایش به تجمل، رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان، شیوع آداب‌ورسوم دست‌وپاگیر و ... از جمله مواردی هستند که بر الگوی ازدواج تأثیر می‌گذارند.^۱

از سوی دیگر نتایج پژوهش «عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه (۸۵-۵۵)»^۲ نشان می‌دهد، میزان بیکاری مردان، میزان شهرنشینی، نسبت جنسی، میزان باسوادی و تحصیلات عالی بر افزایش سن ازدواج زنان اثر داشته و ۵۰ درصد از تغییرات میانگین سن ازدواج زنان توسط متغیرهای مذکور تبیین می‌شود. از این میان مهم‌ترین تغییر تأثیرگذار باسوادی زنان و کم‌اهمیت‌ترین متغیر، میزان تحصیلات عالی آنان است. به‌گونه‌ای که در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ افزایش باسوادی زنان، طولانی شدن مدت زمان تحصیل زنان و ورود آنان به دانشگاه‌ها و همچنین فراهم شدن بازار کار برای زنان، تمایل به ازدواج در سنین پایین را کاهش داده است.

لازم به توضیح است که نسبت جنسی^۳ برخلاف دیگر متغیرها رابطه عکس با سن ازدواج زنان دارد. نتایج پژوهش فوق در پژوهش دیگری^۴ مورد تأیید قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که در این پژوهش نتایج داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ در

۱. بانکی پورفرد و همکاران، «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران»، ۱۳۹۰.

۲. هزار جریبی، استین افشان، «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۸۵-۵۵»»، ۱۳۸۸.

۳. نسبت جنسی عبارت است از نسبت تعداد مردان به هر ۱۰۰ زن.

۴. حسینی، حاتم و همکاران، «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران»، ۱۳۹۸.

۴۲۸ شهرستان مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاکی از آن است که نسبت تجرد مردان، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. نکته دیگر اینکه میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها از مسیرهای متفاوت می‌تواند بر تأخیر در ازدواج دختران تأثیر گذارد. به گونه‌ای که این عامل به افزایش دو عامل استقلال زنان و نسبت تجرد مردان منجر شده که هر دوی آنها عوامل افزایش سن ازدواج دختران به شمار می‌روند.

بهبود وضع سواد و افزایش سطح تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات دختران، موجب شده است تا دختران زمان بیشتری را در مدرسه و دانشگاه بگذرانند و به تبع آن، انگیزه ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر را داشته و پس از اتمام تحصیلات در جستجوی اشتغال و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل باشند. در واقع، انتظارات جوانان برای ازدواج تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نتیجه، زمانی را که برای تحصیل و کارایی صرف می‌کنند موجب تأخیر در ازدواج می‌شود. از سوی دیگر، افزایش اشتغال زنان به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های استقلال زنان موجب افزایش استقلال اقتصادی آنها و در نتیجه افزایش استقلال در تصمیم‌گیری می‌شود. آنها به دلیل وابستگی اقتصادی و اجتماعی به مردان به ازدواج اقدام نخواهند کرد. این امر به نوبه خود باعث می‌شود زنان ازدواج را به تأخیر بیندازند.

نتایج پژوهش دیگری^۱ حاکی از تأثیر منفی سطح تحصیلات زنان بر میزان وقوع پدیده ازدواج و در نتیجه، تأثیر مستقیم بر افزایش سن ازدواج دارد. به گونه‌ای که هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‌رود، اثر افزایشی آن بر سن ازدواج نیز بیشتر خواهد شد. البته اگر متغیر تحصیلات را کنترل کنیم، سن ازدواج زنان در روستا متناسب با سن ازدواج زنان در شهر کاهش پیدا نمی‌کند؛ چراکه در روستا عوامل دیگری از قبیل ارزش‌ها و فرهنگ‌های سنتی وجود دارد که بر افزایش سن ازدواج زنان تأثیر منفی می‌گذارد. در این بررسی نیز تأثیر عامل اقتصادی و سطح رفاه خانواده در سن ازدواج و الگوی ازدواج مثبت برآورد شده، به گونه‌ای که مردانی که درآمد بالاتر یا ثروت بیشتری دارند با زنان سن پایین‌تر ازدواج می‌کنند. به عبارتی درآمد یا ثروت مردان موجب افزایش نرخ ازدواج و کاهش سن ازدواج می‌شود. مضاف بر آنکه دخترانی که از طبقه اقتصادی مرفه‌تر باشند بیشتر در معرض خواستگاری و تقاضای ازدواج قرار می‌گیرند. البته این به معنای ازدواج بیشتر این گروه از دختران نیست چراکه براساس نتایج پژوهشی^۲ افزایش سرمایه اقتصادی به‌ویژه در میان زنان احتمال ازدواج را کاهش می‌دهد.

در پژوهش دیگری^۳ که در میان دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ سال پنج شهر تهران، مشهد، سمنان، خرم‌آباد و ساری انجام شده است، تحصیلات زنان عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای در ازدواج آنان بیان شده است. به گونه‌ای که دختران با تحصیلات بالاتر سن ازدواج بالاتری نیز دارند. به عبارتی در نگاهی منفعت‌محور و در دوگانه هزینه - فایده، هزینه ازدواج را بیشتر از فواید آن می‌دانند. از سوی دیگر این تحول ماحصل ورود بدون سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مدرنیته و الزامات آن در جامعه دانسته شده که به دلیل عدم آمادگی جامعه در پذیرش تحولات عصر مدرنیته، تبعات آن بیش از دستاوردهای مثبت آن برآورد شده است.

۱. ضرابی، مصطفوی، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویداد اقتصادی»، ۱۳۹۰.

۲. موسائی، فندرسی، «تأثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تاهل»، ۱۳۹۵.

۳. حبیب‌پور گتایی، غفاری، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، ۱۳۹۰.



در ادامه می‌توان به دو پژوهش «بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناسی ازدواج در سطح کشور و هفت استان منتخب» و «تحلیل گذار مجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰» اشاره داشت که تأثیرات پارامترهای نوسازی بر سن ازدواج را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد، نسل‌های جدید بیشتر در معرض مؤلفه‌های نوسازی از قبیل شهرنشینی، تحصیلات و اشتغال قرار دارند و این متغیرها در افزایش سن ازدواج جوانان تأثیر مثبت افزایشی دارد.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت در کنار عامل اشتغال به‌عنوان مانعی اقتصادی - اجتماعی و بیکاری جوانان (به‌خصوص مردان)، تحصیلات زنان در میان عوامل اجتماعی، مانع بسیار تأثیرگذار بر میانگین سن ازدواج جوانان است و دختران مجرد با تصور افزایش احتمال ازدواج مطلوب‌تر در مراتب علمی بالاتر و همچنین رسیدن به استقلال مالی برخواسته از آینده‌نگری، وارد دوره‌های تحصیلات عالی می‌شوند که این متغیر نیز به‌صورت فزاینده سن ازدواج را افزایش می‌دهد. به عبارتی تغییر سبک زندگی و اولویت دادن به تحصیلات، شغل و استقلال اقتصادی و تغییر نگرش به ازدواج، انتخاب همسر را دچار تحولات بنیادین کرده و هرچه سن ازدواج افزایش پیدا می‌کند، موانع ازدواج همدیگر را تقویت کرده و بازتولید می‌شوند. بنابراین مداخله با رویکرد حل مسئله ازدواج باید معطوف به قطع اتصال چرخه انباشتی عوامل افزایش سن ازدواج باشد. به‌گونه‌ای که اگر مردان در سن بهنگام ازدواج (زیر ۲۵ سال)، وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسب داشته باشند براساس الگوی تقاطع سنی با دختران ۴-۵ سال کوچک‌تر از خود ازدواج می‌کنند که هنوز وارد چرخه تحصیلات عالی نشده‌اند. به عبارتی بهبود وضعیت اقتصادی پسران در سنین زیر ۲۵ سال و آمادگی آنها برای ازدواج احتمال ازدواج را افزایش می‌دهد.

در بررسی دیگری^۱ که در هفت استان آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان انجام شده، تحولات اجتماعی از قبیل میزان باسوادی، شهرنشینی، اشتغال و میزان اشتغال در صنعت در سن ازدواج مردان اثر دارد و هرچه میزان شهرنشینی، اشتغال و به‌ویژه اشتغال در بخش صنعت افزایش یابد میانگین سن ازدواج مردان نیز افزایش می‌یابد. البته در مورد زنان، فعالیت اقتصادی زنان، میزان شهرنشینی، تحصیلات و میزان باسوادی، میزان اشتغال و همچنین میزان اشتغال در صنعت به ترتیب در افزایش سن ازدواج تأثیر دارد.

نکته بسیار مهم این بررسی، تمایز بین مشاغل است. درحالی‌که اکثر پژوهش‌ها اشتغال به کار را عامل کاهش سن ازدواج می‌دانند، در این بررسی اشتغال به کار در بخش صنعت را عامل افزایش سن ازدواج می‌دانند؛ چراکه اشتغال به کار در بخش صنعت نیازمند طی شدن دوره‌های تحصیلات عالی است که به‌طور طبیعی سن اشتغال را افزایش داده و به تبع آن سن ازدواج نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین برنامه‌ریزان باید در طراحی فرایندها و زیرساخت‌های شغلی توجه ویژه به ایجاد بسترهای گسترش کارآفرینی و تولیدی‌های خرد داشته باشند.

متغیر اجتماعی دیگر، پیدا کردن گزینه مناسب ازدواج است که براساس پژوهش‌های انجام شده، در بین سه علل اولیه افزایش سن ازدواج قرار دارد. این عامل وابستگی بالایی با رشد فردگرایی و کم‌رنگ شدن جایگاه خانواده در جامعه

۱. توده فلاح، کاظمی‌پور، «بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناسی ازدواج در سطح کشور و هفت استان منتخب»، ۱۳۸۹.

دارد. به عبارتی سازوکار سنتی این فرایند کم‌رنگ شده و نهاد جایگزینی برای پوشش این کارکرد به وجود نیامده است. این موضوع نه تنها بر افزایش سن ازدواج تأثیر مثبت گذاشته، بلکه با توجه به عدم مهارت‌های کافی انتخاب‌گری جوانان، استحکام خانواده‌ها را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

البته باید به این نکته توجه داشت در عمده پژوهش‌های انجام شده، تمرکز بر علل افزایش سن ازدواج دختران بوده است و کمتر علل افزایش سن ازدواج پسران به صورت اختصاصی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع خود ریشه‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی دارد که در این مقال نمی‌گنجد. اما باید دقت کرد که گرایش‌های پژوهشی بر ذهنیت‌های شکل گرفته در جامعه و نظام تصمیم‌گیری و مداخله سیاستی و قانونی در حل مسئله آثار منفی نداشته باشد و در حل مسئله ازدواج چالش‌های اساسی که متوجه مردان در جامعه است مورد غفلت قرار نگیرد.

در آخرین پژوهشی که مورد بررسی قرار گرفته^۱ است، سعی شد علاوه بر احصای عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج، این عوامل را از حیث میزان و عمق اثرگذاری نیز مورد ارزیابی قرار داد. در این بررسی مجموعه عوامل در پنج دسته: تأثیرگذار، دووجهی، تأثیرپذیر، مستقل و تنظیمی جایابی شده‌اند. براساس نتایج به دست آمده سه پیشران «تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای ذی‌ربط برای تسهیل ازدواج» بیشترین اثرگذاری را در انتخاب زیست تجردی داشته‌اند. عواملی که میزان اثرگذاری و اثرپذیری آنها بر موضوع ازدواج یکسان است شامل: میزان پایبندی به ارزش‌های دینی، نگاه مادی‌گرایانه به ازدواج، ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر، بدیل‌های هویتی برای ازدواج، نااطمینانی و نگرش منفی نسبت به موفقیت ازدواج، مصرف‌گرایی و تجملاتی شدن، هزینه‌های بالا برای شروع زندگی، ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور است. نکته چشمگیر در این بررسی تأثیرپذیر بودن استقلال مالی و هویتی زنان با افزایش مشارکت اجتماعی - اقتصادی آنان است. به عبارتی براساس این پژوهش زنان به دلیل تأخیر در ازدواج به استقلال مالی و افزایش مشارکت اجتماعی - اقتصادی رومی‌آوردند.

لذا با توجه به نتایج تحقیقات مورد بررسی، عوامل تأثیرگذار در افزایش سن ازدواج جوانان را با لحاظ اولویت اثرگذاری، می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر قرار داد:

عوامل اقتصادی:

بالا بودن هزینه‌های زندگی، تورم بالا، عدم اشتغال (بیکاری)، درآمد پایین، بالا بودن هزینه مسکن

عوامل اجتماعی:

نیافتن همسر مناسب، شهرنشینی، کم‌رنگ شدن فرهنگ‌های قومی، تحصیلات زنان، استقلال مالی دختران البته باید به این نکته اشاره داشت که در بررسی‌های انجام شده به عواملی از قبیل، رسم‌ورسوم غلط، پیدایش ساختارهای موازی ساختار رسمی خانواده، مصرف‌گرایی و ... اشاره نشده است. اما این به معنای عدم تأثیرگذاری این عوامل بر سن ازدواج نیست بلکه این متغیرها در اولویت‌های ابتدایی قرار ندارند.

۱. شهناوز، آزاده، «شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر تجرد در ایران»، ۱۳۹۸.



روش دوم: استفاده از جلسات هم‌اندیشی و خبرگانی

در این روش سعی شد، ابعاد مختلف موضوع ازدواج از یکدیگر تفکیک شوند و متناسب با هر موضوع نظر کنشگران، پژوهشگران و اساتید دانشگاه در مورد چرایی افزایش سن ازدواج جوانان احصا شود:

- گروه اول: فعالان و پژوهشگران اجتماعی^۱
- گروه دوم: فعالان و پژوهشگران اجتماعی^۲
- گروه سوم: فعالان حوزه زیست جنسی^۳
- گروه چهارم: فعالان و پژوهشگران اجتماعی^۴
- گروه پنجم: فعالان رسانه‌ای^۵
- گروه ششم: فعالان حوزه واسطه‌گری^۶
- گروه هفتم: اساتید دانشگاه الزهرا^۷
- گروه هشتم: اساتید دانشگاه^۸

گزاره‌های مطرح شده در جلسات هم‌اندیشی مذکور استخراج شده و گزاره‌هایی با فراوانی یکبار تکرار در طول جلسات از قبیل «تهاجم جنسی جامعه غرب به ایران»، «دامن زدن مراکز همسریابی به وسواس در ازدواج»، «عدم حمایت‌گری مالی خانواده از زوجین جوان»، «عدم انعطاف سیستم شغلی و تحصیلی تعریف شده برای خانم‌ها و تعارض نقشی» و ... از جدول نهایی حذف و گزاره‌هایی که بیشتر از یک فراوانی تکرار داشتند در جدول رتبه‌بندی عوامل قرار گرفتند. نتایج به‌دست آمده از این جلسات به شرح زیر است:

۱. دکتر مجید امامی، دکتر آرش وکیلان، دکتر کمیل قیدرلو، دکتر خلیلی.
۲. دکتر مرضیه شعرنافچی، دکتر طهوری، دکتر سقایف، دکتر سلیمی، دکتر فاطمه صدر، دکتر سوده آیت‌اللهی.
۳. دکتر کمیل حسینی، دکتر تاجیک، آقای برونی.
۴. دکتر ابوالفضل اقبالی، دکتر بلیغ، دکتر محمد الیاس قنبری، دکتر زهرا مینایی.
۵. خانم مهدیه محور، خانم فاطمه دلآوری.
۶. دکتر زهره حسینی (نیبان)، خانم مقدم، آقای رسول رضوی، خانم نکویی (مؤسسه پیوند مهر)، خانم رضانی، خانم مطهره عابدینی (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری)، آقای محمدحسین اصغری (مؤسسه آدم و حوا).
۷. دکتر بتول مشکین‌فام، دکتر لیلا ثمنی، دکتر زهرا میرحسینی، دکتر مهسا لاریجانی، دکتر شهره روشنی، دکتر فاطمه ابراهیمی.
۸. دکتر محمدتقی کریمی، دکتر عبدالحسین کلانتری، دکتر علی جنادله، دکتر مسعود عالمی نیسی، دکتر محمدامیر پناهی.

جدول ۲. مقوله‌های احصا شده از جلسات هم‌اندیشی

ردیف	گزاره‌ها	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶	گروه ۷	گروه ۸	جمع
۱	مشکلات اقتصادی (مسکن و جهیزیه)	۳	۳		۳	۱	۲	۵	۳	۲۰
۲	عدم اشتغال و بیکاری	۲	۳		۱			۵	۳	۱۴
۳	چالش واسطه‌گری و انتخاب درست	۳	۴		۱		۳	۳		۱۴
۴	ضعف نظام مشاوره در موضوع ازدواج و خلأ در این حوزه	۳	۳		۱		۳	۳		۱۳
۵	عدم توجه نظام آموزشی به تربیت متمایز دختران و پسران	۱	۲				۳	۱	۱	۱۱
۶	عدم وجود مهارت‌های اداره زندگی (ترس از مدیریت زندگی)	۲	۲		۱		۲	۲		۹
۷	عدم مداخله رسمی و حکومتی در موضوع ازدواج		۱		۲	۱	۱	۱	۲	۸
۸	هزینه‌های بالای مشاوره	۳			۱		۱	۱		۶
۹	مشکلات فرهنگی در سطح خانواده‌ها (سنت‌های اشتباه و سخت‌گیری خانواده‌ها)	۲	۱				۲			۵
۱۰	تفکیک گروه‌های مخاطب و پرهیز از قانونگذاری یکسان در جامعه	۳	۲							۵
۱۱	سنوات طولانی دوره آموزش عمومی	۲			۲					۴
۱۲	تکثر و تعارض‌های قانونی (موانع قانونی) سربازی				۲				۲	۴
۱۳	عدم وجود ضمانت اجرای قانون						۳			۳
۱۴	هویت‌دهی سالم جنسی				۲	۱				۳
۱۵	کاهش تحریک (سالم‌سازی فضای مجازی)	۱			۱					۲
۱۶	تعیین متولی مشخص برای تکالیف در این حوزه						۱	۱		۲
۱۷	مقطع‌بندی نادرست دوره آموزش عمومی				۲					۲
۱۸	زیاد بودن و سخت بودن پروسه همسان‌گزینی تبیان						۲			۲
۱۹	سن شروع به تحصیل دیر است				۲					۲
۲۰	فاصله زیاد سن بلوغ و میانگین سن ازدواج				۱				۱	۲
۲۱	افزایش اهمیت مسائل مالی برای دختران						۱	۱		۲
۲۲	افزایش سن بلوغ اجتماعی						۱	۱		۲



ردیف	گزاره‌ها	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶	گروه ۷	گروه ۸	جمع
۲۳	کم‌رنگ شدن نقش خانواده در ازدواج جوانان (کشگری خانواده و پذیرش جوانان)	۱						۱		۲
۲۴	چالش دختران دهه ۶۰	۲								۲
۲۵	عدم احساس حمایت‌گری قانون از دختران و زنان		۱			۱				۲
۲۶	سرمایه اجتماعی و میزان پذیرش زیست جنسی مورد تأیید حاکمیت از سوی مردم			۱					۱	۲

براساس جمع‌بندی جلسات هم‌اندیشی نیز وجود «مشکلات اقتصادی از قبیل هزینه‌های بالای شروع زندگی، مسکن و جهیزیه»، «بیکاری جوانان و عدم وجود درآمد پایدار» و همچنین «پیدا نکردن گزینه مناسب و انتخاب درست و نبود نهاد واسطه‌گر در جامعه» سه مانع اصلی و دارای اولویت بالا در ازدواج بهنگام جوانان شناسایی شده‌اند. ضعف نظام مشاوره، عدم توجه نظام آموزشی به آموزش و تربیت مبتنی بر جنس دانش‌آموزان و همچنین نداشتن مهارت کافی شروع زندگی از اولویت‌های بعدی موانع ازدواج بهنگام می‌باشند. بخش دیگری از گزاره‌های مطرح شده نیز به نوعی درخصوص چند عامل ابتدایی هستند.

البته گفتنی است در جلسات مذکور چرایی انتخاب این عوامل و فرایندهای اجتماعی طی شده در مسئله ازدواج مطرح شد که به‌دلیل گسترده بودن به بیان نتایج آن در این گزارش اکتفا می‌شود.

جمع‌بندی

عوامل تأثیرگذار بر ازدواج در دو بعد نگرشی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته که نتایج حاکی از انطباق این دو سطح است. به‌گونه‌ای که عواملی که برخاسته از نگرش مردم نسبت به مسئله است کاملاً با عوامل احصا شده از نتایج پژوهش‌ها و جمع‌نخبگان یکسان بوده است. این انطباق می‌تواند نشان‌دهنده قطعیت بالای عوامل احصا شده باشد.

عوامل افزایش سن ازدواج به لحاظ نگرشی: براساس نتایج به‌دست آمده از نگرش‌سنجی‌های صورت گرفته در پیمایش‌های ملی «بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی»، «بیکاری و عدم شغل پایدار» و «پیدا نکردن گزینه مناسب و نبود نهادهای واسطه‌گر» سه عامل اول در افزایش سن ازدواج از نظر مردم بوده‌اند. به‌عبارتی می‌توان گفت این نگرش برخاسته از شرایط واقعی جامعه است و عموم مردم در تجربه زیسته خود سه عامل مذکور را دخیل در ازدواج خود و اطرافیان می‌دانند.

عوامل افزایش سن ازدواج به استناد پژوهش‌ها: بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج در سه دسته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم می‌شوند:

- **عوامل اقتصادی افزایش سن ازدواج جوانان:** نتایج بررسی‌ها نشان از اثرگذاری مثبت تورم، افزایش هزینه‌های خانوار و بالا بودن هزینه‌های شروع زندگی از قبیل هزینه مراسمات و تهیه مسکن بر سن ازدواج دارد. لذا عدم

ثبات اقتصادی در جامعه، افزایش تورم ریسک‌پذیری ازدواج را افزایش داده و افراد به دلیل عدم اطمینان از شرایط زندگی در آینده تصمیم به تشکیل خانواده را به تأخیر می‌اندازند. البته یکی از عوامل مهمی که خود بر عوامل مذکور اثر مثبت می‌گذارد اشتغال بوده که با توجه به ابعاد اجتماعی آن ذیل عوامل اقتصادی - اجتماعی تبیین می‌شود.

ثبات رشد تورم در جامعه نه تنها بر پارامترهای اقتصادی اثر می‌گذارد، بلکه به دلیل افزایش فقر، احساس نابرابری و بی‌عدالتی را در جامعه افزایش می‌دهد. عوامل مذکور در کنار افزایش نااطمینانی از آینده سرمایه اجتماعی را کاهش داده و کاهش سرمایه اجتماعی به افزایش ناهنجاری در جامعه منجر می‌شود. چراکه «شبکه‌های مشارکت قوی و مترکام، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را افزایش می‌دهد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی بالا آنومی اجتماعی را کاهش داده و به تبع آن جرم و کجروی نیز در جامعه کاهش پیدا می‌کند.»^۱ هر کدام از عوامل رشد تورم، افزایش فقر، افزایش نااطمینانی، بیکاری، میزان سرمایه اجتماعی خود بر افزایش سن ازدواج اثر گذاشته و در کنار هم قرار گرفتن این عوامل به صورت فزاینده سن ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- عوامل اقتصادی - اجتماعی افزایش سن ازدواج جوانان: دال مرکزی تحولات اجتماعی که در ابعاد مختلف ظهور و بروز پیدا کرده است، رشد گفتمان مدرنیته است. تبعات این گفتمان را می‌توان در رشد شهرنشینی، تخصصی شدن مشاغل، افزایش تحصیلات، کاهش جایگاه خانواده و رشد فردگرایی، افزایش استقلال مالی زنان دنبال کرد. هر کدام از این زیرمجموعه‌ها به صورت مستقل بر سن ازدواج جوانان تأثیر می‌گذارند.

به عبارتی می‌توان گفت این عوامل به نوعی ایجاد نااطمینانی از رفع نیازهای اولیه در نهاد خانواده و عدم تحقق کارکرد اقتصادی، امنیت و عشق را برای جوانان ایجاد می‌کند و همین امر فرد را به ازدواج در سنین بالاتر سوق می‌دهد که اطمینان از شرایط اقتصادی مناسب‌تر بالا می‌رود و به نوعی امکان‌های پیش‌روی جوانان بیشتر می‌شود. از این رو در شرایطی که برخی از تبعات مدرنیته از قبیل شهرنشینی و افزایش تحصیلات گریزناپذیر است باید راهبرد مهم و اساسی را در تغییر شرایط متغیرهای قابل کنترل قرار داد. به طور مشخص در تغییر الگوی سنی ازدواج جوانان ایجاد بسترهای اشتغال و درآمدزایی پایدار و تأمین اطمینان جوانان از توانایی تحقق کارکرد اقتصادی خانواده امکان تشکیل خانواده در سنین پایین‌تر را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر افراد به دنبال اشتغال در کارهایی هستند که هم‌زمان سرمایه اجتماعی و اقتصادی آنان را تأمین کند؛^۲ بنابراین در ایجاد بسترهای اشتغال باید به نوع زمینه‌های ایجاد شده در جامعه نیز توجه داشت. یکی از عواملی که بر این بُعد اشتغال تأثیر بسیاری دارد، افزایش سطح تحصیلات در جامعه است. به گونه‌ای افراد با تحصیلات بالاتر در انتظار اشتغال در مشاغل با سرمایه اجتماعی بالاتر هستند. بنابراین راهبرد پشتیبان حل مسئله اشتغال، حکمرانی نظام آموزشی و تقویت مشاغلی که وابستگی به تحصیلات عالی ندارند، خواهد بود. به عبارتی باید در طراحی فرایندها و زیرساخت‌های شغلی به ایجاد بسترهای گسترش کارآفرینی و تولیدی‌های خرد توجه ویژه شود. نکته دیگر در مورد اشتغال اهمیت به ظرفیت‌های استان‌ها و شهرهای مختلف در تولید

۱. عباس‌زاده، محمد و همکاران، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۱
 ۲. امیری، حسین و همکاران، «جریانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۳۹۹.



اشتغال است چراکه براساس آمار شهرهایی که اشتغال‌زایی بالاتری داشته‌اند، سن ازدواج پایین‌تری نیز داشته‌اند. این مقوله خود به کاهش مهاجرت نیز کمک خواهد کرد.

یکی دیگر از عوامل قابل طرح، افزایش تحصیلات و استقلال زنان است که البته براساس یکی از پژوهش‌ها به‌عنوان عامل اثرپذیر از دیگر عوامل شناسایی شده است. به‌عبارتی می‌توان گفت اگر اثر دیگر عوامل از قبیل اشتغال کنترل شود، این عامل نمی‌تواند مستقلاً اثرگذاری بالایی داشته باشد و زنان به‌دلیل تأخیر در ازدواج، افزایش تحصیلات و رسیدن به استقلال مالی را در اولویت خود قرار می‌دهند.

به‌عبارتی اگر مردان در سن بهنگام ازدواج (زیر ۲۵ سال)، وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسب داشته باشند براساس الگوی تقاطع سنی ازدواج با دختران ۴-۵ سال کوچک‌تر از خود ازدواج کنند نقش عامل تحصیلات دختران در افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد.

– عوامل اجتماعی – فرهنگی افزایش سن ازدواج جوانان: سطح سوم از عوامل به تحولات فرهنگی – اجتماعی جامعه مرتبط است. همان‌گونه که ذکر شد تحولات اجتماعی به تغییر هنجارها و عرف اجتماعی منجر شده و ثبات این تحولات تغییرات ارزشی و فرهنگی را رقم می‌زند. یکی از عوامل مهم در افزایش سن ازدواج پیدا نکردن گزینه مناسب برای ازدواج است که با جایگاه خانواده در جامعه و مهارت‌های انتخاب‌گری فرد ارتباط مستقیم دارد. لذا رفع اثر منفی این متغیر با مهارت‌افزایی خانواده و فرد، بازبایی جایگاه خانواده و تقویت نهادهای مردمی فعال در این حوزه امکان‌پذیر است. گفتنی است با توجه به تحولات رخ داده در جامعه نباید به‌دنبال مدل سنتی واسطه‌گری در جامعه بود بلکه باید از فرایند واسطه‌گری سنتی الگوبرداری کرده و تلاش کرد الگوی مذکور را با لحاظ تغییرات نهادی به‌روزرسانی کرد. به‌عبارتی باید نهادهای واسطه‌گری شونند که از جنس مردمی بوده و این کارکرد خانواده را پشتیبانی کنند.

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، نشر سمت، ۱۳۸۶.
۲. آفاسی، محمد و فلاح مین‌باشی، فاطمه، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، ۱۳۹۴.
۳. التجائی، ابراهیم، عزیززاده، مینا، «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
۴. امیری، حسین و همکاران، «جریانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۳۹۹.
۵. بانکی پورفرد، امیرحسین و همکاران، «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران»، معرفت در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۰.
۶. بحرانی، محمود، «تحلیل آماره‌های ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی در ۵ دهه گذشته»، فصلنامه جمعیت، ش ۸۵، ۱۳۹۲.
۷. بحیرائی، الهام، حضرتی صومعه، زهرا، «عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر شاغل به تحصیل»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱۳۹۰.
۸. بودون، ریمون، «تحرك اجتماعی»، ترجمه مؤمن کاشی، نشر مردنیز، ۱۳۷۳.
۹. ترابی، فاطمه و مسگرزاده، سجاد، «جامعه مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۵.

۱۰. توده فلاح، معصومه، کاظمی‌پور، شهلا، «بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناسی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب»، ۱۳۸۹.
۱۱. حبیب‌پور گتایی، کرم، غفاری، غلامرضا، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۰.
۱۲. حسینی، حاتم و همکاران، «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران»، توسعه محلی (روستایی- شهری)، ۱۳۹۸.
۱۳. شهنواز، سارا، آزاده، منصور اعظم، «شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر مجرد در ایران»، مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۹۸.
۱۴. ضرابی، وحید، مصطفوی، سیدفرخ، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویداد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰.
۱۵. عباس‌زاده، محمد و همکاران، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۱.
۱۶. فیضی، ایرج، ابراهیمی، مرضیه، «پیمایش ملی خانواده»، جهاد دانشگاهی استان البرز، ۱۳۹۸.
۱۷. مجدالدین، اکبر و جمالی، احمدرضا، «بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال دوم، ش ۴، ۱۳۸۶.
۱۸. محمودیان، حسین، «سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان»، مجله علوم اجتماعی، ش ۲۴، ۱۳۸۳.
۱۹. موسائی، میثم، فندرسی، لیلاداد، «تأثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تأهل»، زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۵.
۲۰. هزار جریبی، جعفر، آستین افشان، پروانه، «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۸۵-۵۵»»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۸۸.